

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسه آموزش عالی آفاق
دانشکده اقتصاد و علوم انسانی
گروه : فقه و حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته : فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:
بررسی مبانی فقهی هنر و آثار هنری در فقه مقارن

استاد راهنما :
دکتر سیامک جعفرزاده

نگارنده:
علی کاظمی

تابستان ۱۴۰۰



وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری

مؤسسه آموزش عالی آفاق

(غیردولتی - غیرانتفاعی)

Afagh Higher Education

بسمه تعالی

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی

ارشد

گواهی می‌گردد پایان نامه کارشناسی ارشد خانم/آقای علی کاظمی به شماره دانشجویی ۹۸۱۳۵۸۰۰۱۱ در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۴ تحت عنوان بررسی مبانی فقهی هنر و آثار هنری در فقه مقارن ارائه و مورد پذیرش هیات داوران با رتبه و نمره (به عدد) (به حروف) گرفت.

ردیف	مستولیت	نام و نام خانوادگی	امضا
۱	استاد راهنمای اول و رئیس هیات داوران:	دکتر سیامک جعفرزاده	
۲	استاد مشاور		
۳	داور	دکتر محمدحسن جوادی	
۴	داور	خانم لیلا سلیمانی علیار	
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	خانم لیلا سلیمانی علیار	

کلیه عقاید و نظراتی که در این پایان نامه ذکر گردیده است، مستقیماً به نگارنده و اساتید آن مربوط بوده و از طرف دانشگاه تایید یا تکذیب نمی‌شود.

معاون آموزشی و پژوهشی

دکتر حجت قلی‌زاده

(حق طبع و نشر محتوای پایان نامه برای مؤسسه آموزش عالی آفاق محفوظ است.)

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق مؤسسه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به مؤسسه آموزش عالی آفاق ارومیه می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام مؤسسه آموزش عالی آفاق، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجناب **علی کاظمی**، دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **فقه و مبانی** گرایش **فقه و حقوق** دانشکده‌ی **اقتصاد و علوم انسانی** مؤسسه آموزش عالی آفاق به شماره‌ی دانشجویی **۹۸۱۳۵۸۰۰۱۱** که در تاریخ **۱۴۰۰/۴/۱۴** از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان **"بررسی مبانی فقهی هنر و آثار هنری در فقه مقارن"** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجناب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت‌های پژوهشی و آموزشی و تحصیلات تکمیلی مؤسسه آموزش عالی آفاق، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام مؤسسه آموزش عالی آفاق را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط مؤسسه و ...) را می‌پذیرم و مؤسسه آموزش عالی آفاق را مجاز می‌دانم با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **علی کاظمی**

امضا و تاریخ:

تقدیم به :

همسر بسیار عزیز ، مهربان و وفادارم که همواره در کنار من بوده و مخصوصاً در اوایل زندگی مشترکمان ، سخت ترین شرایط را به جان خرید تا من احساس آرامش کنم و تا به امروز چون کوه پشت من ایستاده و همواره مشوق من برای ادامه زندگی است . همچنین فرزندان دلبندم که امیدهای من بعد از همسرم هستند . عزیزان همواره دوستان دارم و امیدوارم همیشه سلامت و سربلند باشید و خداوند همواره شما را سربلند کند ، ان شاءالله.

تشکر و قدردانی :

از اساتید بزرگواری که در طول تحصیل من در این مقطع زمانی با راهنمایی های دلسوزانه و مدیرانه خودشان ، باعث شدند بنده با امید به آینده به تحصیل ادامه دهم سپاسگزارم .

از آن جمله جناب آقای **دکتر جعفرزاده** با راهنمایی های استادانه و ماهرانه در نوشتن پایان نامه ، جناب آقای **دکتر رحمانی** بزرگواری که بنده ارادت خاصی به ایشان دارم ، برادرانه ، بنده را در این مسیر راهنمایی فرمودند . از جناب آقای **دکتر شکرزاده** ، که روشی بسیار جالب در تدریس از ایشان آموختم . و نیز از استاد **دکتر جوادی** عزیز که در ترم گذشته افتخار شاگردی ایشان را داشتم ، از سرکار خانم **سلیمانی** بعنوان مدیر گروه حساس و دقیق و ریز بین که با صبر و حوصله فراوان مرا در این راه بسیار کمک نمودند ، نهایت تشکر را دارم .

چکیده:

از جمله سوالات اساسی در مورد هنر که گاهی در کنار فقه دیده می شود، آن است که آیا فقه، به هنر ارزش و اهمیتی می دهد یا نه؟ آنچه که مهم است این است که در میان هنرهای گوناگون، تنها موردی که ممکن است با فقه در برخی موارد تقابل داشته باشند، موسیقی و غنا و مجسمه سازی هستند. بغیر از اینها، فقه و هنر، همواره با هم بودند و در کنار هم، و کمتر در برابر هم ایستاده اند. اما وقتی که کلمه هنر به موسیقی یا غنا می رسد، فقه سریعاً عکس العمل نشان می دهد، و غالباً آنرا تکذیب می کند و حرام میدانند. در این میان در این پژوهش سعی شده است، ملاکهایی که فقه برای هنر و اقسام آن انتخاب کرده را از حرمت داشتن جدا کند یا شرایط حرام بودن آن را تشریح کند. زیرا در بین جوامع بشری مخصوصاً در حال حاضر هیچ کسی نمی تواند هنر را از زندگی مردم جدا کند چون انسانهای امروزی با هنر زندگی می کنند و آن جزو جدایی ناپذیر زندگی بشر امروزی است.

کلید واژه: مبانی فقهی - هنر - آثار هنری - فقه مقارن

فهرست

فصل اول : کلیات تحقیق ۱

۱-۱ مقدمه ۳

۲-۱ بیان مسئله ۳

۳-۱ ضرورت و پیشینه تحقیق ۵

۴-۱ فرضیه های تحقیق ۹

۵-۱ اهداف تحقیق ۹

۶-۱ کاربرد تحقیق ۱۰

۷-۱ روش تحقیق ۱۰

۸-۱ کلید واژه ها ۱۰

فصل دوم : بررسی منابع ۱۱

۱-۲ تعاریف و مفاهیم ۱۳

۲-۲ تعریف فقه ۱۳

۳-۲ تعریف فقیه ۱۴

۴-۲ معنای لغوی هنر ۱۴

۵-۲ تعاریف هنر ۱۴

۶-۲ تعریف هنرمند ۱۵

۷-۲ معنی و مفهوم هنر اسلامی ۱۵

۸-۲ هنر در منظر ادیان توحیدی ۱۷

۹-۲ جایگاه هنر در فرهنگ اسلامی ۱۸

۱۰-۲ شکل گیری هنر در تمدن اسلامی ۲۰

- ۲۲..... ۱۱-۲ هنر در دین ، یهود ، مسیح ، اسلام
- ۲۳..... ۱-۱۱-۲ یهود
- ۲۴..... ۲-۱۱-۲ مسیح
- ۲۵..... ۳-۱۱-۲ اسلام
- ۲۶..... ۱۲-۲ ضرورت شناسایی مصادیق هنرها
- ۲۶..... ۱-۱۲-۲ هنرهای تجسمی و بصری
- ۲۷..... ۲-۱۲-۲ نقاشی
- ۲۷..... ۱۳-۲ دیدگاه پیشوایان دینی در مورد هنر
- ۲۸..... ۱۴-۲ نقش هنر در فرود آوردن ارزش های آسمانی
- ۲۹..... ۱۵-۲ قلب دین در قالب هنر
- ۳۰..... ۱۶-۲ نقش هنر در قبال عقیده وایمان
- ۳۱..... ۱۷-۲ نقش قلم و شعر در هنرمکتب اسلامی
- ۳۱..... ۱۸-۲ هنر نوشتن بندی به پای دانسته ها
- ۳۳..... ۱۹-۲ تعهد و موضع در زمینه قلم
- ۳۳..... ۲۰-۲ تاریخ پیدایش هنر نقاشی و مجسمه سازی و عکاسی
- ۳۵..... ۲۱-۲ هنر سینما و بازیگری
- ۳۵..... ۲۲-۲ حقیقت هنر چیست؟
- ۳۶..... ۲۳-۲ هنر دینی و نگاه حداکثری و حداقلی به دین
- ۳۷..... ۲۴-۲ هنر قرآن مخمّر تکامل هنر در تاریخ
- ۳۹..... ۲۵-۲ قلمرو آزادی بیان در نقد هنری بر اساس مبانی فقهی
- ۳۹..... ۱-۲۵-۲ خاستگاه و اهمیت موضوع
- ۴۳..... ۳ فصل سوم : مواد و روشها**
- ۴۵..... ۱-۳ رویکرد فقه شیعه به هنر اسلامی

- ۲-۳ شرایط لازم برای درک هنر از طرف فقها..... ۵۷
- ۳-۳ مفهوم هنر دینی و غیردینی..... ۵۹
- ۴-۳ ارتباط ماهیتی و غایتی هنر و دین (همانندی و ناهمانندی هنر و دین)..... ۶۰
- ۵-۳ هنر در فقه مذاهب پنج‌گانه..... ۶۲
- ۶-۳ ویژگی‌های محتوایی هنر اسلامی در قرآن..... ۶۳
- ۷-۳ هنر دینی..... ۶۴
- ۸-۳ مصادیق هنر در فقه..... ۶۵
- ۱-۸-۳ معماری..... ۶۶
- ۲-۸-۳ خوشنویسی..... ۶۷
- ۳-۸-۳ نقاشی..... ۶۷
- ۴-۸-۳ شعراسلامی..... ۶۸
- ۵-۸-۳ موسیقی..... ۶۸
- ۶-۸-۳ قالی بافی و منسوجات..... ۶۹
- ۷-۸-۳ سفالگری و کاشی کاری..... ۷۰
- ۸-۸-۳ هنرهای نمایشی..... ۷۰
- ۹-۸-۳ مجسمه سازی..... ۷۰
- ۱۰-۸-۳ هنرهای صناعی..... ۷۰
- ۱۱-۸-۳ شعر..... ۷۰
- ۱۲-۸-۳ شعرو شاعری در قرآن..... ۷۰
- ۱۳-۸-۳ شعروشاعری در روایات..... ۷۱
- ۹-۳ جایگاه زیبایی و هنر نزد برخی از فیلسوفان مسلمان..... ۷۱
- ۱۰-۳ غنا و مطابقت و تناسب آن با مقدسات فقهی اسلامی..... ۷۲
- ۱-۱۰-۳ ترجیح صوت..... ۷۳

۷۳.....	۲-۱۰-۳ طرب
۷۴.....	۳-۱۰-۳ محتوای ناپسند اشعار
۷۴.....	۱۱-۳ نقاشی و مجسمه‌سازی در فقه
۷۶.....	۱۲-۳ اقوال فقهای اسلام در باب حرمت مجسمه و نقاشی
۷۶.....	۱-۱۲-۳ فقهای شیعه
۷۷.....	۲-۱۲-۳ فقهای اهل سنت
۷۸.....	۱۳-۳ دلایل فقهای شیعه قائل به حرمت ساختن مجسمه ی حیوان و نقد و بررسی آنها
۷۸.....	۱-۱۳-۳ اجماع
۷۸.....	۲-۱۳-۳ روایات
۷۹.....	۳-۱۳-۳ روایات دسته اول
۸۱.....	۴-۱۳-۳ روایات دسته دوم
۸۲.....	۱۴-۳ تبلور هنر در بناهای دینی
۸۴.....	۱۵-۳ ملاکات و موضوعات حکم در فقه هنر
۹۱.....	۴ فصل چهارم : نتایج بحث
۹۳.....	۱-۴ حرام بودن با نصّ صحیح و صریح از نظر فقه اهل سنت
۹۵.....	۱-۱-۴ در قرآن
۹۶.....	۲-۱-۴ در سنت نبوی
۹۷.....	۲-۴ صدور فتوا بر اساس نگاه استقلالی به جنس هنر
۱۰۶.....	۳-۴ روش و نگرش ابو حامد غزالی و ابن تیمیه در مورد غنا
۱۰۶.....	۱-۳-۴ مذهب فقهی غزالی
۱۰۶.....	۲-۳-۴ روش فقهی ابو حامد غزالی
۱۰۷.....	۳-۳-۴ نگرش فقهی غزالی به غنا با عنوان موضوع شناسی
۱۰۷.....	۴-۴ جایگاه صدای خوش در شریعت

- ۱-۴-۴ قیاس ۱۰۷
- ۲-۴-۴ الهیات منصوص ۱۰۸
- ۳-۴-۴ خوشنودی پروردگار از آواز خوش ۱۰۸
- ۴-۴-۴ جایگاه صدای موزون در شریعت ۱۰۸
- ۵-۴-۴ شناخت آواز موزون ۱۰۸
- ۶-۴-۴ انواع آواز موزون ۱۰۸
- ۷-۴-۴ چگونگی خلق سازها ۱۰۸
- ۵-۴ حکم فقهی آواز موزون ۱۰۹
- ۱-۵-۴ قیاس ۱۰۹
- ۶-۴ شناخت و جایگاه آواز محرک قلب ۱۱۰
- ۷-۴ بررسی فقهی ۱۱۰
- ۱-۷-۴ نغمه حجاج ۱۱۰
- ۲-۷-۴ سرود تشویق به جنگجویی ۱۱۰
- ۳-۷-۴ رجز ۱۱۱
- ۴-۷-۴ نوحه ۱۱۱
- ۵-۷-۴ نکوهیده ۱۱۱
- ۶-۷-۴ ستوده ۱۱۱
- ۷-۷-۴ سرود شادی ۱۱۱
- ۸-۷-۴ سرود عاشقان ۱۱۲
- ۹-۷-۴ سرود وجد ۱۱۲
- ۸-۴ ممنوعیت در شنیدن موسیقی ۱۱۲
- ۹-۴ ابن تیمیه ۱۱۳
- ۱-۹-۴ مذهب فقهی ابن تیمیه ۱۱۳

۲-۹-۴ شنیدن موسیقی در فقه ابن تیمیه..... ۱۱۳

۳-۹-۴ سماع متقربین..... ۱۱۴

۴-۹-۴ سماع مکاء و تصدیه..... ۱۱۴

۵-۹-۴ دلالت نصوص بر عدم اباحه..... ۱۱۴

۶-۹-۴ مفید بودن یا ضعف احادیث وارده در اباحه غنا..... ۱۱۵

۵ فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۱۷

۱-۵ نتیجه گیری..... ۱۱۹

۲-۵ پیشنهادات..... ۱۲۰

۱-۲-۵ پیشنهادات اجرایی..... ۱۲۰

۲-۲-۵ محدودیت‌های تحقیق..... ۱۲۰

۶ فهرست منابع..... ۱۲۱

فصل اول : کلیات تحقیق

General investigation

۱-۱ مقدمه

همان‌گونه که اندیشه، دانش و اخلاق از ویژگی‌های انسان است و همواره ملازم او بوده‌اند، "هنر" نیز از مؤلفه‌های اساسی وجود حیات آدمی است و تا آنجا که می‌شود از گذشته‌ی او سراغ گرفت، این ویژگی را می‌توان به همراه او یافت.

نظریه‌پردازی درباره هنر و زیبایی، پیوسته مورد توجه اندیشه ترجمان در طول تاریخ تفکر بوده است. آن‌ها درباره تعریف، اهمیت، منشأ و راز این دو، نظر داده و هر یک هنر را از زاویه‌ای خاص نگریسته‌اند و به‌گونه‌ای به تبیین آن پرداخته‌اند و آنچه را که عموم مردم از آن به‌راحتی گذشته‌اند در زیر ذره‌بین اندیشه قرارداد و کوشیده‌اند به زوایای ناپیدای آن راه یابند و به این طریق، حس حقیقت‌جویی خود را سیراب نمایند.

بنابراین تأمل در حقیقت هنر پیشین‌هایی دراز و قدمتی چند هزارساله دارد؛ به‌طوری‌که یونانیان باستان سهم عمده‌ایی در تکوین آن داشته‌اند و البته این خط سیر تا همیشه ادامه دارد و زوایای پیدا و پنهان آن مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

این در گام نخست تلاشی است برای نشان دادن پاره ایی از ژرف‌نگری‌هایی که از گذشته‌های دور تاکنون در زمینه ی هنر انجام شده است؛ تا به سهم خود اذهان کنجکاو را نسبت به این مسائل بیشتر متوجه سازد.

در گام دوم، از آنجا که بسیاری از نظریه‌پردازی‌های هنری، در مسائلی همچون اخلاق و تربیت با دین قرابت دارند و از سوی دیگر، دین‌داران نیز در پیشبرد اهداف خود از هنر بهره‌ها برده‌اند، لذا به رهیافت دینی به هنر نیز اشاره می‌شود؛ بنابراین با اشاره به رویکرد دین اسلام به هنر - به‌عنوان نمونه - و یادآوری بازتاب آن در فرهنگ و تمدن اسلامی، تلاش می‌گردد جایگاه هنر از این رهگذر و نقطه تلاقی نگرش فلسفی و دینی نسبت به آن نشان داده شود.

۲-۱ بیان مسئله

در عصر کنونی که تمدن در ابعاد گوناگون زندگی در حال پیشرفت است و جهانیان از حیث عقاید فرهنگی و آداب به هم نزدیک شده‌اند و نیز تحول برخی موضوعات از لحاظ ماهوی یا کیفی و یا برخی دیگر از ویژگی‌های عارضی داخلی یا خارجی و پیدایش نیازهای جدید که پاسخ مناسب و حکم جدیدی را می‌طلبد، این عوامل باعث شده‌اند که فقه در برابر بسیاری از مسائل دقیق و پیچیده در ابعاد گوناگون قرار گیرد.

ازجمله آن مسائل، ابعاد هنری و نمایشی است. هنر، پدیده‌هایی است که همه مردم با آن سروکار دارند و به گونه ایی تنگاتنگ با فرهنگ، روحیه، زندگی و اخلاق آن‌ها ارتباط پیدا کرده است؛ و بدون مبالغه‌گویی می‌توان گفت؛ در این زمان، یکی از لوازم زندگی همه انسان‌ها به شمار می‌رود.

این فراگیری هنر در بین مردم، می‌طلبد که پاسخ آن‌ها، مطابق موازین مکتبی، هر چه زودتر ارائه گردد. این مهم فقط از راه شناخت دقیق ((مبانی فقهی)) از یکسو و مشخص شدن موضوع آن از طریق کارشناسان و آشنایی همه‌جانبه اجتماعی، روانی و فنی با آن، از سوی دیگر امکان‌پذیر است (جناتی، ۱۳۷۶). بدون تردید، هنر، یکی از زیباترین جلوه‌های جمال خداوند است.

خداوند خود به معنای حقیقی کلمه، هنرمند است؛ و هنر بی‌همتای خود را در آفرینش موجودات و در پهنه‌ی هستی، به نمایش گذاشته است.

موسیقی دل‌نشین رودخانه‌ها، رنگ‌آمیزی زیبای فصل‌ها، دشت‌ها و کوه‌ها، نغمه‌های دل‌انگیز پرندگان، صدای شرشر باران و هزاران هزار اتفاقی که در هر لحظه در عالم روی می‌دهد، چیزی جز نمایش هنر خداوند نیست.

قرآن کریم خود یکی از جلوه‌های هنر ربوبی است، که هدایت به آموزه‌های حکیمانه را در قالبی هنرمندانه و زیبا متجلی ساخته است. نه تنها در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن و سنت و سیرت پیشوایان دین، هنر به خودی خود نفی و طرد نشده است، بلکه پیامبر و امامان خود زیبارویان زیبا گو و هنرمندانی بی‌بدیل در عرصه سخن، اخلاق، رفتار و ادب بوده‌اند (مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات، حوزه علمیه قم).

در پدیده هنر - به دلیل کثرت تعینات هنری - مدیریت ادله بسیار دشوار است؛ از یکسو اسناد شرعی فراوان است و از سوی دیگر در پاره‌ای از موارد در اسناد، هم سویی وجود ندارد. ضرورت پرداخت به مسئله فقه هنر، هنگامی خود را نشان می‌دهد که نگاهی به کتاب‌ها، مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها نگریسته شود.

نقصان و غیر جامع بودن برخی نگاه‌ها، گویای تمرکز اندک بر این موضوع است و پیچیدگی خاص این پدیده، مباحث فراوانی را می‌طلبد؛ بسیاری از ظرفیت‌ها، مانند نصوص مبین، مقاصد در نظر گرفته نشده و گاهی به دلایل قابل نقد، این ظرفیت‌ها کنار گذاشته شده‌اند.

برخی بنا به دلایلی، آن را به عرف و یک نیاز معمولی تبدیل می‌کنند تا بدین وسیله استفاده جواز نمایند؛ مانند اینکه بدون توجه به اسناد شرعی گفته شود: غنا، موسیقی و مجسمه‌سازی یک ضرورت است.

برخی دیگر با نگاه‌های ناموجه، خود را در هیمنه‌ی فتاوی‌ی تنزیه‌ی قرار می‌دهند و چنین می‌انگارند که هرچه بیشتر مخالفت کنند، به دین نزدیک‌ترند؛ هرچند این رویه غالب نیست و فقهای منضبط ایستاده بر قله، دچار این هیمنه نمی‌شوند. (علیدوست، ۱۳۹۴)

درواقع با پیشرفت فن‌آوری و صنعت، هنر نقش و تأثیر خود را بیشتر از گذشته نشان می‌دهد. سبک زندگی، مدل فرهنگی، نوع مذهب و اعتقادات و تمدن هر قومی را معین می‌کند.

هنر در اصل بیان‌کننده دیدگاه‌ها و ایدئولوژی هر ملتی شده است؛ بنابراین ابزارهای هنری از بلیغ‌ترین و کارآمدترین و رساترین چیزهایی است که برای رساندن هر پیامی، امروزه به کار گرفته می‌شود.

به‌طوری‌که هر ملتی برای انتقال آموزه‌های خود و ذهنیت و یافته‌های خود به دیگران نیازمند نوعی از هنر است. ذهن بشر که تکامل پیدا می‌کند و از عالم مادیات و جهان ماده و گرایش‌های مادی با کمک فرستادگان الهی به‌طرف عالم معنویات سیر می‌کند و به ذات الهی خویش نزدیک می‌شود. در این مرحله نقش هنر و اقسام آن (شعر - موسیقی - مجسمه‌سازی - ادبیات - نقاشی) ارزش خود را بیش‌ازپیش نشان می‌دهند.

۳-۱ ضرورت و پیشینه تحقیق

بر فقیهان آگاه و نواندیش واجب است که شرایط زیر را در مقام استنباط رعایت کنند: اولاً، مبانی فقهی اجتهادی مسائل هنری و نمایشی را بر اساس بینش جهانی، واقعیت‌های جامعه و به‌دوراز عوامل ذهنی و خارجی و سنت‌های غلط اجتماعی و محیطی، در رده مسائل تحقیقی قرار دهند.

ثانیاً، به‌کارگیری اجتهاد در عناصر استنباطی با شیوه هفتم اجتهادی باید صورت گیرد. ثالثاً، مشخص کردن موضوعات هنری از طریق کارشناسی خود و یا افراد متخصص؛ زیرا در صورتی‌که موضوع مشخص نشود، نمی‌توان حکم آن را بیان کرد، چون نسبت حکم به موضوع همانند نسبت غرض به معروض است.

پس موضوع شناسی باید پیش از حکم شناسی باشد. در هر حال، آنچه تأسف را افزون می‌کند این است که، اجتهاد توسط برخی از فقیهان، در مبانی فقهی اجتهادی، بعضی از موضوعات هنری و مسائل نمایشی در زمان‌های پیشین (به دلیل سروکار نداشتن نوع مردم با آن‌ها، یا به دلیل بیشتر وسیله قرار گرفتن هنرها در اشاعه فحشا و منکرات و فساد) به کار گرفته نشده و اگر در بعضی از آن‌ها به کار گرفته شده، بر اساس بینش جهانی و شرایط زمانی بوده است.

بعلاوه، بیشتر موضوعات هنری موردبررسی کارشناسانه قرار نگرفته و با شرایط زمانی و مکانی و عرفی و احوالی که باید در مقام استنباط حکم از ادله به آن‌ها توجه شود، رعایت نشده است، یا اگر شرایط یادشده موردتوجه قرار گرفته‌اند؛ در برابر عوامل ذهنی یا خارجی یا آرای پیشینیان که بر اساس شرایط زمانشان بوده، مصون از آسیب‌پذیری نبوده‌اند و حکم هر موضوعی مطابق نظر آنان یا بر اساس اصولی احتیاطی که بیش از ۱۲ قرن سابقه نداشت، بیان شده است و این شیوه در مواردی که دلیل خاصی ندارد، باروح شریعت ناسازگار است، زیرا شریعت بر پایه آسان‌گیری و گذشت، استوار شده است. (جناتی، ۱۳۷۶)

یکی از موضوعاتی که در اعصار پیشین به گونه‌ی کامل حدود و جوانب آن مورد بررسی دقیق قرار نگرفته و یا به صورت روشن و واضح و خالی از هرگونه ابهام، برای دیگران تبیین نشده، موضوع موسیقی غنائی است. این عدم تبیین علل و اسبابی از آن جمله:

۱- آمیختگی و مقرون بودن بعضی از آوازه‌ها در مجالس امویان و عباسیان به امور حرام، از جمله اجتماع مردان و زنان بدون مراعات موازین اسلامی، رقص رنن در میان آنان و میگزاری و هرزگی. این موارد، برای مسلمانان متعهد کافی بود که از آن پرهیز کنند و بدین جهت نیاز به تبیین کامل حدود آن نبوده است.

۲- سروکار نداشتن نوع مردم به موضوع خوانندگی و کم تأثیر بودن آن در جامعه؛ زیرا تا زمانی که رادبو و تلویزیون و سایر وسایل صوتی و تصویری اختراع نشده بود، موضوع آوازه‌ها و سرودها و شعرها تا این پایه بر فرهنگ و روحیه اخلاق مردم نفوذ و تأثیر نداشت. بدین جهت ضرورت تبیین دقیق احکام و حدود موضوع موسیقی غنائی تا اندازه کنونی برای عالمان احساس نمی‌شد و از این رو، آن‌ها از مفهوم و حدود آن آگاهی داشته‌اند، به صورت مشروط و مبسوط تدوین نکرده‌اند. امروز که با فرهنگ و روحیه مردم ارتباط تنگاتنگ یافته، ضرورت تدوین مفهوم و حدود آن برای عالمان به شدت احساس می‌شود.

۳- شیوه احتیاطی برخی از فقها در مقام بیان احکام موضوعات (که با شرایط زمانشان منافاتی نداشت) سبب شد که آراء و نظرات کارشناسی دقیق و علمی در شناخت موضوعات و حوادث واقعه، بر اساس منابع معتبر و به‌دوراز عوامل ذهنی و خارجی مورد بررسی قرار نگیرد. پس بر ظاهر روایات، بدون توجه به دسته‌ی معارض با آن‌ها جمود بسنده و حتی از تجدیدنظر هم خودداری گشت. در منابع و مبانی فقه اجتهادی زیبایی مطرح شده است.

اسلام برخلاف مکاتب بشری و نیز برخلاف ادیان تحریف‌شده که پیروانش سعی و کوشش در محدود کردن قلمرو نظرگاه‌های دین نسبت به مسائل درونی و شخصی دارند، علاوه بر تعیین وظایف فردی و عبادی و اجتماعی، درباره مقوله هنر و آفرینش زیبایی‌ها به وسیله انسان نیز، دارای نظر مثبت هستند، مشروط بر اینکه وسیله انحراف و فساد قرار نگیرد، بلکه وسیله صلاح و اصلاح قرار گیرد. در قرآن کریم که نخستین منبع فقهی اجتهادی و پایه شناخت است و نیز در سنت که دومین منبع شناخت معارف است، هنر و زیبایی مورد توجه قرار گرفته است و عالمان اسلامی نیز هر یک به مقتضای شرایط زمان خود، مدارک آن‌ها را در این باره مورد بررسی قرار داده‌اند. خود آنان نیز از ویژگی هنر برخوردار بوده، امروز در حوزه‌های علمی‌نیروهای آگاه و ماهر، متخصص و باذوق در این زمینه‌ها وجود دارد. در حال هنر و زیبایی در منابع، مطرح هست. در باب زیبایی که موضوع هنر است باید گفت زیبایی به‌طور کلی بر دو نوع است:

الف-زیبایی در جهان هستی.

ب-زیبایی که از راه افکار و اندیشه‌های درخشان و متعالی انسان‌ها به نمایش

درمی‌آید. (جناتی ، ۱۳۷۶)

بروز و عرضه موضوعات نوین و نوظهور در عرصه فن‌آوری، پزشکی، اقتصادی، اجتماعی و همانند آن تلاش وافر و پردازشی و اجتهاد عمیق‌تری را در متون فقهی می‌طلبید. موضوعات و پدیده‌های هنری از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به نیاز مبرم جامعه بشری به جلوه‌های گوناگون هنری، مجال چشم‌پوشی و غفلت وجود نداشته و ندارد.

هنر تجلی احساس انسان است؛ در قالب محسوس زبان درون است و با مخاطبان اهل‌دل، حقیقت را می‌نمایاند، بی‌آنکه به وعظ و استدلال بپردازد. فن‌آوری و تمدن به هنر توانایی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی به سراسر جهان انتقال می‌دهد. امروزه دهها و بلکه صدها پرسش در موضوع هنری و عرصه‌های مختلف هنری وجود دارد.

فقه‌های ما در گذشته، با وجودی که هنر به گستردگی امروزه را شاهد نبوده‌اند، میزان موردنیاز را پاسخگو بوده‌اند و مطالب ارزشمندی را در زمینه‌های مختلف هنری عرضه کرده‌اند. بی‌تردید آرای این فقها، دیگر پاسخگوی مسائل هنری امروزی نیست. برخی از گونه‌های هنر، جدید و نوظهورند (بازیگری، سینما و ...) و برخی دیگر در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی‌های بسیار شده‌اند (مجسمه‌سازی) این، هردو ضرورت نگرش دقیق‌تر به هنر را آشکار می‌سازد. هنر در فقه، جایگاه مستقلی ندارد، در فقه موضوعی به‌عنوان هنر که مسائل و فرع‌های متفرقه را بررسی کند، وجود ندارد و اگر هم باشد در حاشیه قرار داده شده است. همین امر باعث بروز اختلاف‌نظرها و تقابل‌های نظریات گوناگون در رفتار مقلدان شده است؛ اما جامعه امروز نیاز دارد تا دیدگاه‌ها و راه‌کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، ارائه شود تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش‌آید. به‌طور خلاصه می‌توان گفت عواملی همچون:

۱- نبود پیشینه درست در کاربرد هنر مجسمه‌سازی، سینما، تئاتر و

۲- ابهام در برخی مفاهیم، مانند غنا.

۳- دغدغه فروافتادن در گناه، به علت جو حاکم بر هنر و روابط هنرمندان، باعث می‌شود تا لزوم درک جایگاه هنر و نقش آن در زندگی انسان‌ها آشکار و این مفاهیم در قالب موضوعی مستقل منتشر شود. (میرزایی ، ۱۳۹۴)

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان گفت که از نظر فقه، تمام هنرها به دو بخش تقسیم می‌شوند: الف) هنرهای مشروع. ب) هنرهای نامشروع. منظور از هنرهای مشروع و مجاز، آن دسته از هنرهایی است که از دید شریعت حلال و جایز بوده، کسب و خریدوفروش حاصل از آن هم مشروع است. منظور

از هنرهای نامشروع و حرام، آن دسته از هنرهایی است که انجام آن نامشروع و حرام است و کسب حاصل از آن هنرها نیز حرام است.

همچنین از سویی دیگر، هنرهای مشروع در سنت اسلامی نیز، از دیدگاه تعلیم اسلامی و اندیشمندان مسلمان، به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) هنرهای مشروع و قابل توصیه.

ب) هنرهای مشروع و غیر قابل توصیه.

درواقع هنرهایی که از جنبه فقهی از حلیت و مشروعیت برخوردار است، به دودسته تقسیم می‌شود؛ بخشی از هنرها مشروع و حلال هستند اما توصیه و تشویق به آن‌ها نشده است؛ از جمله این هنرها می‌توان به بعضی از هنرهای تجسمی، نمایشی و یا ادبی اشاره کرد که هرچند در حریم حلال قرار گرفته‌اند، اما مسلمانان در طول تاریخ تمدن اسلامی به آن‌ها اشتیاق و رغبتی نداشته‌اند؛ اما برخلاف آن‌ها، هنرهایی وجود دارند که به دلیل مقدس بودن و گاه جنبه آئینی، از علاقه و اشتیاق مؤمنان برخوردار بوده‌اند.

از جمله این دسته از هنرها، می‌توان به تلاوت قرآن، خوشنویسی، معماری مساجد و برخی هنرهای تزئینی و نمایشی اشاره کرد. این دسته از هنرها به جهت موقعیتی که در نزد مؤمنان داشتند، از تقدس و اهمیت معنوی برخوردار شده و در طول تاریخ برخلاف بخش اول، همواره از رشد چشمگیر برخوردار بوده است. (گیلانی، ۱۳۹۵)

در آموزه‌های دینی، روح، نفخه ذات الهی بوده و خود را وابسته به او می‌داند، و با هر موجودی که نشانی از او داشته باشد، انس و آرامش می‌گیرد. بهترین نشان، صفت جمال الهی است که ((إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ)) (مازندرانی، صالح). علاوه بر این که جهان، تجلی زیبایی خداوند است، مصادیقی بارز از زیبایی، در صورت ماده و معنی معرفی شده است. در بسیاری از مطالعات و کتب موجود، در رابطه با هنر و دین، به تفصیل بحث شده که می‌توان آنان را در آثار بزرگانی چون: محمد مددپور یافت. اما به رابطه این دو و تأثیر و تأثر پذیریشان از یکدیگر، پرداخته نشده و یا دیدگاه به رابطه‌شان متفاوت بوده است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده و شناخت ویژگی هنر و دین، رابطه بین این دو، توسط هنرمند (آگاهانه و یا ناآگاهانه) از ابتدا دیده می‌شود. اگر دین آموزه ایی برای رسیدن به یک هدف باشد و هنر کالبدی برای معرفی معنویات، رابطه این دو کالبد، دین را به تصویر می‌کشد.

کالبدی که می‌تواند شعرو موسیقی باشد، یا یک حجم یا یک تصویر که این کالبد در هر دین با یک هدف، اما با چهره ایی متفاوت دیده می‌شود. مثلاً: در ادیان یهود و مسیح یا زرتشت، آثار ارزشمندی به‌جای مانده، لیکن این آثار در یک یا چند کالبد محدود شده است، اما با تکامل دین